



بمب ساعتی زیر پای سینمای ایران

در اتفاقی که برای مرحوم شریفی راد افتاد، آیامی شود وجود مقصری را متصور شد یا سهل انگاری آقای شریفی راد منجر به رخ دادن این حادثه شده یا صرفاً این یک اتفاق بوده که می‌تواند برای هر کدام از افرادی که در حوزی جلوه‌های ویژه فعالیت می‌کنند، رخ دهد؟

حسن راستگو: یک ساعت بعد از حادثه، من به همراه آقای عظیم محمدی سر صحنه رسیدیم با توجه به قدرت انفجار و پرتاب شدن جنازه‌هایی که دیدم به این نتیجه رسیدیم که سرعت انفجار بسیار بالا بوده این حد انفجار از سرعت انفجار «تی‌ان‌تی» که به عنوان مقیاس سرعت انفجار محاسبه می‌کنند خیلی بیشتر بود. همان زمان دیدم یکسری از دوستان دارند به مسئولان آنجا تلقین می‌کنند که آقای شریفی راد مواد دست‌ساز در ماشینش بوده و بر اثر انفجار مواد دست‌ساز این حادثه رخ داده است. همان جا من وارد بحث شدم و گفتم که ما سال‌هاست مواد دست‌ساز درست می‌کنیم. اگر سرعت انفجار «تی‌ان‌تی» ۶۳۰۰ باشد مواد دست‌ساز ۲۰۰ هم نیست، یعنی اگر مواد دست‌ساز انجام‌منجر می‌شد آقای شریفی راد فقط زخمی می‌شدند یا انفجار نهایتاً به قطع شدن یکی از اعضای بدنشان منجر می‌شد. اصلاً این مواد ساخته می‌شوند که مثلاً مادر صحنه‌های مختلف بتوانیم کنار بازیگران منفجر کنیم.

عظیم محمدی: آقای شریفی راد تجربه‌ی بسیار زیادی داشت و مسلماً بحث سهل‌انگاری نبوده چون همه‌ی مامی دتیم که در این حرفه‌ها اولین اشتباه ممکن است آخرین اشتباه باشد.

حسن راستگو: اما اصل ماجرا اینجاست که چند وقتی است شهرک سینمایی دفاع مقدس به جای «تی‌ان‌تی» ماده‌ی منفجره‌ای به نام «پنتولیت» که مخصوص انفجارهای معدنی است را در اختیار بچه‌های جلوه‌های ویژه قرار می‌دهد. به ما گفتند تشخیص آنها این است که این ماده، کم خطرتر از «تی‌ان‌تی» است، اما در اصل این حرف اشتباه است. چون ما می‌توانیم هر واحد «تی‌ان‌تی» را ذوب و به قطعات کوچک‌تری تقسیم کنیم و اصطلاحاً آن را بشکنیم تا قدرت انفجارش به اندازه‌ی بشود که نیاز داریم ولی با «پنتولیت» نمی‌توان این کار را کرد. «پنتولیت» یک بسته است با یک پوشش بسیار ضخیم که اصلاً قابلیت تکه تکه شدن یا تقسیم کردنش وجود ندارد. موادش هم قابل شناسایی نیست و هیچ کدام از بچه‌ها نمی‌دانند که مثلاً این ماده‌ی منفجره به دماهای مختلف محیطی چه واکنشی نشان می‌دهد. حتی کسانی که در معدن کار می‌کنند هم فقط این مواد را به تعداد زیاد می‌کارند و یک ساعت بعد منفجر می‌کنند و تمام. الان در تمام جهان، واحد مواد منفجره‌ی جهانی یا «تی‌ان‌تی» است یا «C4».

به آقای شریفی راد هم همین مواد را داده بودند؟

حسن راستگو: بله. آقای شرف‌الدین گفتند که به آقای شریفی راد مواد منفجره ندهاده بودند ولی من و آقای عظیم محمدی که سر صحنه بودیم بقایای بسته‌های پنتولیت را دیدیم. به ما اجازه ندادند وارد سنگرها شویم به این بهانه که مواد گذاری شده‌اند. حتی به آقای روزبهانی هم گفتم برویم اینها را بکشیم ولی آقای روزبهانی گفت بی خیال شویم چون فردا همین برایمان شر می‌شود. خیلی دلم می‌خواست بروم ببینم واقعا چه موادی استفاده شده و چه اتفاقی رخ داده جالب است بدانید آقای دهنمکی در همان حالی که گریه می‌کرد به من گفت که مواد ۵ دقیقه قبل از انفجار می‌گفت که این موادی که به او داده‌اند قابل اعتماد نیست و مواد خوبی محسوب نمی‌شوند. قبل از آقای شریفی راد هم تمام دوستان حاضر در این جلسه با این مواد کار کرده و به آن اعتراض کرده‌اند و گفته‌اند این مواد برای کار ما استاندارد نیست، ضمن اینکه بدن نیست بدانید قیمت این «پنتولیت»ها یک سوم قیمت «تی‌ان‌تی» است.

ایمان کرمانیان: در بحث نظامی هر ماده‌ی منفجره‌ای محتتمات و کاربرد خاص خودش را دارد. «پنتولیت» هم از آن دسته مواد منفجره‌ای است که واکنش بسیار سریعی با اکسیژن دارد حالا خودتان تا نه قضیه را بپخوانید و ببینید چنین ماده‌ای می‌تواند برای ساخت جلوه‌های ویژه‌ی میدانی یک فیلم، ماده‌ی مطمئنی باشد؟

علی قرایی: جسد از بحث انفجاری، لایه‌ای که دور تادور ماده‌ی «پنتولیت» وجود دارد بسیار ضخیم و سفت است و در اثر انفجار هر تکه‌اش می‌تواند تبدیل به یک ترکش بسیار کشته‌شده شود. ما الان در مواد دست‌ساز که خودمان سر فیلم‌های سایم تمام پوشش‌های مواد منفجره را به صورت گچی واردی درست می‌کنیم تا در لحظه‌ی انفجار هیچ گونه ترکشی به اطراف پرتاب نشود که کسی آسیب ببیند.

عظیم محمدی: اولین استفاده کننده از این ماده، بنده بودم که همان زمان هم اعتراض کردم و گفتم این موادی که در اختیار بچه‌هایی می‌گذارید، هم غیرقابل پیش‌بینی است هم بسیار خطرناک، گفتند خوب اینها که خوب منفجر می‌شوند من هم گفتم خیلی چیزها هستند که خوب منفجر می‌شوند اما قار نیست هر چیزی که منفجر می‌شود را به عنوان مواد منفجره برای استفاده در اختیار مدیران جلوه‌های ویژه فیلم‌ها قرار بدهید. این مواد خوب منفجر می‌شود اما جایگاه استفاده از آنها اینجاست.

همه‌ی شما از این ماده‌ی منفجره در کارهایی که مدیریت جلوه‌های ویژه‌اش را به عهده داشتید استفاده کردید. چرا با علم به اینکه این ماده تا این اندازه می‌تواند خطرناک باشد اما قبول کردید که از آن استفاده کنید؟

علی قرایی: به ما می‌گویند فقط همین است. ما هم که نمی‌توانیم به صورت شخصی مواد مورد نیازمان را تهیه کنیم.

ایمان کرمانیان: همه‌ی ماسر این قضیه، نامه‌ی اعتراضی زده‌ایم. **حسن راستگو:** اصلاً وظیفه‌ی شهرک سینمایی دفاع مقدس این است به صنف نامه بزند که ما در حال جایگزین کردن مواد منفجره هستیم برای آشنایی با این مواد، مدیران جلوه‌های ویژه را خبر کنید تا ما طرز استفاده درست و خطرات آن را برای آنها تشریح کنیم. من و آقای عظیم محمدی و یکی دو تا از بچه‌ها آدم‌های نظامی هستیم و می‌دانیم این ماده چیست چون در جنگ حضور داشتیم اما جان ترها که با این مواد آشنایی ندارند.

رضا تر کمان: روزی که مواد را برای اولین بار سرر کار آقای پوراحمد (پنجاه قدم آخر) به من دادند، شناختی از این ماده‌ی منفجره نداشتیم. رنگ زرد به مرحوم شریفی راد، چون ما با هر مشکلی که مواجه می‌شدیم به آقای

شریفی راد به عنوان یک متخصص رنگ می‌زدیم و راهنمایی می‌گرفتیم. گفتم آقای شریفی راد الان شهرک فقط «پنتولیت» دارد و «باروت شماره‌ی ۵». آقای شریفی گفتند «باروت شماره‌ی ۵»، رو بگیر ولی این ماده‌ی منفجره بسیار حساس است و اگر حرارت از نزدیکش هم رد شود امکان انفجار وجود دارد. با این حال «پنتولیت» هم به ماداند ولی ما همان جاسر صحنه جلوی کارگردان ایستادیم. کارگردان می‌خواست انفجار بغل بازیگر دهد ولی من گفتم با این ماده‌ی منفجره کنار بازیگر انفجار ایجاد نمی‌کنم، به من گفته‌اند که حداقل باید فرد با این ماده منفجره ۱۴ متر فاصله داشته باشد. آقای پوراحمد گفت من این صحنه‌رامی خواهم. گفتم مشکل شماسه‌ت به شهرک رنگ بنزید بگویید مواد را عوض کنند. شمامی گویید چرا می‌گیرید. دلیلش این است که اگر هم بگیریم فقط با حفظ کامل موارد ایمنی از آنها استفاده می‌کنیم ولی واقعا یک جاهایی نیاز داریم یک صحنه‌هایی را طراحی کنیم که این مواد برای آن صحنه‌ها خطرناک است و جایگزین دیگری هم وجود ندارد.

حسن راستگو: اگر هم بخوایم از مواد دست‌ساز خودمان که کاملاً بی‌خطر است و به درد چنین صحنه‌هایی می‌خورد استفاده کنیم شهرک به ما اجازه‌ی استفاده نمی‌دهد.

رضا تر کمان: حرف آقای راستگو کاملاً درست است. ما بعد از این همه سال کار کردن به مواد دست‌ساز خودمان اعتماد داریم چون می‌دانیم فقط صدا دارد و مثل «پنتولیت» خطر کشنده‌ای ندارد.

علی قرایی: دقیقاً. مواد دست‌سازی که ما استفاده می‌کنیم، محترقه است نه منفجره.

ایمان کرمانیان: ضمن اینکه در پنتولیت ما مجبوریم از دو چاشنی انفجار استفاده کنیم و این یعنی یک ونیم برابر احتمال خطر انفجار ناگهانی و تشدید را زیاد کرده‌ایم.

حسن راستگو: همان گونه که گفتم این مواد کاملاً به درد فعالیت‌های معدنی و نظامی می‌خورد و تنها از «تی‌ان‌تی» می‌توانیم ماده‌ی بی‌خطری برای استفاده در جلوه‌های ویژه‌ی فیلم‌ها استفاده کنیم.

شما می‌گویید این مواد از آن تر از «تی‌ان‌تی» است و شاید یکی دو سال اخیر شهرک سینمایی دفاع مقدس مشکلات مالی را توجیه قابل قبولی برای استفاده از «پنتولیت» بداند. شما مدیران جلوه‌های ویژه هیچ وقت نرفتید تحقیق کنید که در سینمای جهان جایگانه ماده‌ی از آن قیمت دیگری وجود دارد و بتوانید آن را به مقامات مربوطه معرفی کنید تا آنها خریداری شده و برای استفاده به دست شما برسد؟



چند وقتی است شهرک سینمایی دفاع مقدس به جای «تی‌ان‌تی» ماده‌ی منفجره‌ای به نام «پنتولیت» که مخصوص انفجارهای معدنی است را در اختیار بچه‌های جلوه‌های ویژه قرار می‌دهد. به ما گفتند تشخیص آنها این است که این ماده، کم خطرتر از «تی‌ان‌تی» است. اما در اصل این حرف اشتباه است

اکبر محمدی: این دقیقاً کاری بوده که مدیران ۱۵ سال اخیر صنف جلوه‌های ویژه باید انجام می‌دادند و هیچ وقت انجام ندادند. ضمن اینکه شهرک دفاع مقدس زمانی که می‌خواهد مواد منفجره‌ی سابق را عوض کند و ماده‌ی جدیدی برای استفاده به مدیران جلوه‌های ویژه بدهد هیچ وقت به افراد واجد صلاحیت و با تجربه نمی‌گوید بیا باید ببینید این ماده‌ی جدید چیست؟ اصلاً قابل استفاده در این زمینه هست یا نه. شما که متخصص این کار هستید بگویید آیا استفاده از این مواد جدید خطر دارد یا نه. صلاحیت جایگزین شدن با مواد قبلی را دارد یا نه. اما این نکته را هم نباید فراموش کنیم که شهرک سینمایی دفاع مقدس تا به امروز تنها محلی حمایت از جلوه‌های ویژه و سینمایی ایران بوده و اگر این شهرک را حذف کنیم هیچ جای دیگری وجود ندارد که بچه‌های جلوه‌های ویژه بتوانند مایحتاج خود برای فیلم‌هایشان را تهیه کنند.

رضا تر کمان: سازمان صداوسیما هم با ساختگیری بسیار زیادی یک جاهایی کمک می‌کند. البته فقط در حد دادن اسلحه نه مواد منفجره‌ی مورد نیاز.

حسن راستگو: یک بار با مرحوم پیمان ابدی سر کاری بودیم. من داشتم چاشنی بدنی درست می‌کردم که مرحوم ابدی با خنده گفت این چاشنی‌ها را خودتان درست می‌کنید گفتم بله گفت فشنگ‌ها را جطور. گفتم آنها را هم خودمان درست می‌کنیم. گفت: مگر اینها را آماده به شما نمی‌دهند؟ گفتم نه آقا ما همین مواد اولیه‌اش را هم به زور گیر می‌آوریم. گفت: چه جالب در آلمان همه‌ی مواد کاملاً حاضر و آماده و بسته‌بندی شده با کاغذ است و چگونگی طریق مصرف و مختصات ماده‌ی مورد نظر را تحویل مدیر جلوه‌های ویژه می‌دهند. این یعنی مدیر جلوه‌های ویژه در خارج از کشور خودش هیچ چیزی را دستی درست نمی‌کند و همه چیز آماده و به اندازه‌ی که نیاز است در اختیار او قرار می‌گیرد. «بدی» به من گفت شما در ایران علاوه بر متخصص جلوه‌های ویژه، متخصص مواد شیمیایی هم هستید و خودتان، مایحتاجتان را تولید می‌کنید ولی آنجا کسی دست به مواد شیمیایی نمی‌زند.

علی قرایی: صنایع دفاع که می‌تواند کمک بسیار زیادی به کار ما کند عملاً حاضر نیست هیچ گونه موادی را در اختیار ما قرار دهد، بهانه‌شان هم این است که این مواد نظامی‌اند.

عظیم محمدی: ما خودمان مبدع یکسری چاشنی انفجار بودیم و جالب است که من چند وقت پیش وقتی به یک دفتری مربوط به صنایع دفاع رفته بودم این چاشنی‌ها را دیدم، آنها ایده‌ی ما را تکثیر کردند. خوب وقتی بچه‌های مامی توانند علاوه بر این کار، خودشان را جلو ببرند و ایده‌هایی هم می‌دهند که می‌تواند کمک حال تسلیحات نظامی باشد چرا کسی حاضر به کمک کردن نیست.

ایمان کرمانیان: دقیقاً. ما بارها از صنایع دفاع خواسته‌ایم که ما را پشتیبانی کنند در عوض ما هم ایده‌هایی می‌دهیم که به آنها کمک کند.

اکبر محمدی: البته همان گونه که گفتم تنها ایراد از گان‌ها و نهادها

نیست، متأسفانه صنف مادر این چندساله هیچ حرکت روه جلویی برای کمک و حل مشکلات بچه‌های جلوه‌های ویژه انجام نداده و تازه ۴۵ روز پیش و پس از بازگشایی مجدد خانه‌ی سینما صنف، تشکیل جلسه داد و با تغییر مدیریت قرار است کارهای جدیدی در این زمینه انجام دهیم که امیدواریم در بلندمدت به نتیجه برسد.

داستان تلخ پیمان ابدی

آقای عظیم محمدی: شما مدیر جلوه‌های ویژه‌ی «چشم‌های نامحسوس» به کارگردانی محسن موسویان بودید. فیلمی که در زمان فیلمبرداری، پیمان ابدی بدلکار حرفه‌ای سینمای ایران در آن حادثه شد. آیا آن اتفاق هم حادثه بود؟

عظیم محمدی: خیلی‌ها همان زمان بحث انفجار را مطرح کردند که قویا آن را تکذیب می‌کنم. ما آنجا فقط آتش‌سوزی داشتیم. ماجرا هم اینگونه رخ داد که ما قار بود اتوبوس را ته دره بفرستیم و آنجا آتش بگیرد. بعد صحبت شد که ما کار را به گونه‌ای طراحی کنیم که آتش‌سوزی در حین حرکت انجام شود تا جذابیت بصری بیشتری داشته باشد. در صحنه‌ی اول، فرمان اتوبوس از دست آقای ابدی در رفت و یا گوه بر خورد کرد که جر ثقیل آمد و اتوبوس را بیرون آوردند در صحنه‌ی اول، آتش‌سوزی نداشتیم. بعد از آن صحنه‌ی اول، قرار شد ته اتوبوس را پر از کیسه‌های بنزین کنیم، چهار تا کوکتل مولوتف هم آماده کردیم که به موقع داخل اتوبوس پرتاب کنیم تا آتش اولیه در اتوبوس برای آتش گرفتن آن بنزین‌ها فراهم شود. یک کوکتل مولوتف دست من بود، یکی دست مرحوم

ابدی و دو تا هم دست دستیاران او. **چرا چهار تا؟**

عظیم محمدی: برای اینکه هر ضیباطمینان برای آتش گرفتن بنزین‌ها را بالا ببریم که اگر هر کدام از کوکتل مولوتف‌ها به هر دلیلی نتوانست داخل اتوبوس بیفتد دیگری کار را تمام کند. اما نکته‌ی اصلی اینجا بود که آن روز باران آمده و زمین کاملاً خیس و لغزنده بود، مسیر حرکت اتوبوس هم برای آن صحنه کاملاً سراسیمه بود. این نکته و خطر موجود را به مرحوم ابدی گفتم ولی او گفت که نگران نباشم و در این زمینه، تجربه و مهارت کافی را دارد. من هم با اینکه کاملاً مخالف انجام این کار در آن شرایط بودم، تر جیح دادم با توجه به سابقه و تجربه‌ی او سکوت کنم. من با آقای ابدی صحبت کردم که اتوبوس با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت حرکت کند که امکان خطر کمتر باشد اما وقتی اتوبوس از بالا به سمت پایین شروع به حرکت کرد من دیدم سرعت آن بیش از ۱۵ کیلومتر است. وقتی این شرایط را دیدم کوکتل مولوتفی که دستم بود را روی زمین انداختم، اتفاقاً تهیه‌کننده‌ی آن کار هم کنار من بود. همان موقع هم به دستیاران آقای ابدی گفتم کوکتل مولوتف‌هایتان را اندازه‌ی دلی و انداختند و پیمان ابدی هم پس از پرتاب کوکتل مولوتف‌ها و رسیدن اتوبوس به نقطه‌ی مورد نظر پرید بیرون و درست روی همان تشکی که تعبیه شده بود افتاد. ولی متأسفانه جریان گریز از مرکز که به علت سرعت بالا در اتوبوس به وجود آمده باعث شد که متأسفانه مرحوم ابدی به سمت اتوبوس برگردد و زیر چرخ‌های اتوبوس برود. اتفاق، مدیران آن زمان صنف جلوه‌های ویژه به من گفتند در این مورد هیچ صحبتی نکنم تا خودشان موضوع را حل و فصل کنند.

حسن راستگو: متأسفانه به دلیل خصومتی که آقای پورهاجریان با آقای

میزگردی در خصوص حادثه‌ی فیلم «معراجی‌ها» و وضعیت کلی جلوه‌های ویژه‌ی ایران



بدون شک حادثه‌ای که صبح روز چهارشنبه ۱۸ دی ماه در شهرک سینمایی دفاع مقدس رخ داد یکی از غم‌انگیزترین اتفاقات تاریخ سینمای ایران لقب خواهد گرفت. حادثه‌ای که در پی انفجار خودروی حامل مواد منفجره رخ داد و طی آن محمد جواد شریفی راد مدیر جلوه‌های ویژه‌ی فیلم «معراجی‌ها»، علی‌اکبر رنجبر رئیس شهرک سینمایی دفاع مقدس، رضا فرجی جانشین تولید فیلم و دو نفر دیگر از عوامل کشته شدند. البته این اولین بار نیست که از این دست اتفاقات سر صحنه‌ی فیلم‌های جنگی و غیر جنگی که حجم جلوه‌های ویژه‌ی بالایی دارند رخ می‌دهد. اما این تعداد تلفات در نوع خودش بی‌سابقه بود. دو روز پس از این اتفاق، میزگردی در برنامه‌ی «هفت» برگزار شد تا این موضوع آسیب‌شناسی شود. صحبت‌های دو نفر از اعضای انجمن جلوه‌های ویژه (صفر پورهاجریان و رضار سنگار) در آن برنامه باعث واکنش شدیدی از سوی طیف وسیعی از مدیران جلوه‌های ویژه‌ی سینمای ایران شد. «بی‌سوادی» مهم‌ترین اتهامی بود که در صحبت‌های مهمانان برنامه‌ی «هفت» به برخی مدیران و دستیاران فعلی جلوه‌های ویژه زده شد. این دو اتفاق بهانه‌ی خوبی بود تا با جمع کردن تعدادی از مدیران جلوه‌های ویژه‌ی فعلی سینمای ایران، میزگردی در خصوص بحث جلوه‌های ویژه انجام دهیم؛ میزگردی که صحبت‌های صریح و بی‌سابقه‌ای در آن زده شد. اکبر محمدی (رئیس فعلی انجمن جلوه‌های ویژه)، عظیم محمدی، حسن راستگو، ایمان کرمانیان، رضا تر کمان و علی قرایی در این میزگرد درباره‌ی حادثه‌ی «معراجی‌ها» و وضعیت و مشکلات امروز جلوه‌های ویژه در سینمای ایران صحبت کرده‌اند.

